موضوع: حقیقت و حدود خاتمیت

حد و مرز خاتمیت

در گفتارهای قبل درباره حد و مرز خاتمیت نسبت به صفات پیامبران الهی بحث و این صفات مورد بررسی قرار گرفت:

1. برتری و افضلیت انبیاء بر پیامبران؛ نتیجه این شد که این صفت اختصاصی به آنها نداشته و ممکن است افرادی باشند که بر برخی از انبیاء یا بر همه آنها به جز پیامبر اکرم (ص) برتر باشند. بر اساس ادله ای که درباره امامان اهل بیت (علیهم السلام) داریم ثابت می شود که آنان دارای این برتری بودند.

2. ارتباط با عالم غیب؛ گفته شد این صفت نیز اختصاصی بر آنان ندارد و اگر دلیل وجود داشته باشند دیگران نیز می توانند دارای این ارتباط باشند، کما اینکه ائمه طاهرین (ع) از این ویژگی برخوردار بودند.

3. عصمت از خطا و گناه؛ گفته شد این ویژگی نیز از مرزهای مختص انبیاء نیست. از قرآن کریم و روایات استفاده می شود که ویژگی عصمت برای ائمه طاهری (ع) و حضرت زهرا (س) و حضرت مریم (س) وجود داشته است.

4. دارا بودن کتاب آسمانی؛ این کتاب در صورتی که مشتمل بر شریعت آسمانی باشد، از اختصاصات انبیاء به شمار می رود و بعد از ختم نبوت، کتاب جدید آسمانی نازل نخواهد شد. اما اگر آن کتاب مشتمل بر شریعت نباشد، این اختصاص وجود ندارد. در اینجا همچنین این بحث مطرح شد که آیا شریعت برای همه انبیاء بوده است یا نه.

اهداف و وظایف انبیاء الهی

در ادامه به بررسی اهداف و وظایف انبیاء الهی می پردازیم و این مساله را بررسی می کنیم که آیا ماموریت و رسالت آنان بعد از خاتمیت سپرسی شده است یا نه؟

با توجه به آیات و روایات و نیز دلیل عقل می توان اهداف و وظایف پیامبران الهی را به دست آورد که از این قرار است:

1. ابلاغ پیام های الهی به مردم.

روشن است که دریافت پیام های الهی با ختم نبوت، ختم شده است، اما ابلاغ آنها به مردم از اختصاصات انبیاء الهی نیست، و اوصیاء الهی در مرتبه اول و در مرتبه دوم این ابلاغ وظیفه عالمان و آگاهان از این پیام ها است. بله پیام های نو و جدیدی بعد از ختم پیامبر دیگر وجود نخواهد داشت، اما همان پیام هایی که پیامبر (ص) دریافت کرده است توسط دیگران ابلاغ می شود.

2. دعوت به توحید

در صدر ماموریت های انبیاء الهی، دعوت به توحید و یکتاپرستی بوده است. این ماموریت شالوده وظایف آنها به شمار می رود. روشن است که این ماموریت نیز با ختم نبوت، ختم نشده است و اوصیای الهی و مومنان به پیامبر، وظیفه دعوت به توحید را به عهده دارند.

3. تعلیم و تبیین کتاب و آیین آسمانی به مردم

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِم‏»[[1]](#footnote-1). اصل تبیین کار آورنده کتاب است اما دیگران نیز که آگاه به کتاب هستند، وظیفه تعلیم و تبیین کتاب را بر عهده دارند و خاتمیت اقتضای ختم این تبیین را به ندارد. آیه شریفه نفر بیانگر همین وظیفه است: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِم‏».[[2]](#footnote-2)

4. تزکیه مردم

در مرتبه اول مربی، پیامبر اکرم (ص) است اما بعد از ایشان این تزکیه توسط جانشینان آن حضرت و در مرتبه بعد از ایشان بر عهده عالمان مهذب و آراسته به فضایل اخلاقی است. البته اصول و روش این تربیت بر اساس همان اصول و قوانینی صورت می گیرد که توسط انبیاء الهی و معصومین بیان شده است. بنابراین جعل اصول و قوانین جدید در این عرصه صحیح نیست. البته اجتهاد بر اساس آن اصول و بر اساس دارا بودن تخصص لازم مانعی ندارد.

در بحث تزکیه دو امر لازم است: آیین نامه سیر و سلوک و دیگری نمونه عینی و اسوه و الگوها است. ائمه اطهار (ع) بعد از پیامبر اکرم (ص) اسوه ها و الگوهای مجسم تربیتی بودند، کما اینکه عالمان تربیت شده مکتب اسلام نیز در مرتبه دوم این خصوصیت را داشتند. البته باید دانست که اسوه و الگو بودن پیامبر اکرم (ص) تنها برای مردم آن زمان نبوده، بلکه برای همه مردم زمان ها و مکان های دیگر است. «لَقَدْ كانَ لَكُمْ في‏ رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِر»[[3]](#footnote-3)

5. داوری در اختلافات

قرآن کریم می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرينَ وَ مُنْذِرينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فيمَا اخْتَلَفُوا فيهِ»[[4]](#footnote-4). معیار داوری کتاب الهی است. این داوری به اطلاقش همه موارد اختلاف برانگیز اعم از عبادیات و روابط اجتماعی را شامل می شود. این مساله فرع آن است که پیامبر در مسند رهبری و حکومت باشند تا بتواند به صورت فراگیر به حل این اختلافات بپردازد. پیامبر اکرم (ص) در دوران 13 ساله مکه این جایگاه را نداشتند اما در دوران مدینه این شرایط را یافتند. امیرالمومنین (ع) نیز در چند سال پایانی زندگیشان این شرایط برایشان فراهم شد. در مورد عالمان دینی نیز این مساله به عنوان ولایت فقیه مطرح می شود.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره نحل، آیه 44 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره توبه، آیه 122 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره احزاب، آیه 21 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره بقره، آیه 213 [↑](#footnote-ref-4)